

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش نود و سوم

۳۰ می ۲۰۱۵

روش اصولی مارکسیستی- لنینیستی حزب کار البانی در برخورد بوخارست

در برخورد جون ۱۹۶۰ بوخارست که کلیه هیأت های نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری حاضر در کنگره حزب کارگری رومانی در آن شرکت داشتند گروه خروشچف کوشید که از پشت ضربه قطعی و ناگهانی بر اردوی سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی وارد آورد.

طبق موافقت قبلی قرار بود اولین هدف های این برخورد عبارت باشد از بحث درباره تاریخ و محل تشکیل کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری سراسر جهان و تعیین آن.

ولی هیأت نمایندگی حزب کار البانی به رهبری رفیق حسنی کاپو مشاهده کرد که ناگهان در جلسه ای بین المللی شرکت بسته که خروشچف بنا بر اغراض کاملاً از نوع دیگر تشکیل داده است. چنین جلسه ای برای هیأت نمایندگی حزب کمونیست چین و اکثریت نمایندگان سایر احزاب شرکت کننده نیز بیرون از انتظار بود. ولی شگفت انگیزتر و به ویژه نگرانی آورتر آن بود که هیأت نمایندگی شوروی چند ساعت پیش از برخورد، نامه اطلاعیه ای لبریز از حملات و اتهامات مجهول علیه حزب کمونیست چین بین شرکت کنندگان توزیع کرد. خروشچف کوشید که این اتهامات را در جلسه به بحث بگذارد، تامحکومیت حزب کمونیست چین و اخراج وی را از نهضت کمونیستی بین المللی به دست آورد.

جلسه با وضع بسیار وخیمی روبه رو گردید. نمایندگان احزاب مختلف سرگشته شدند. حزب کمونیست چین اتهاماتی را که بر او وارد آمده بود، رد کرد. کمیته مرکزی حزب کار البانی که بیدرنگ به وسیله هیأت نمایندگی خویش از جریان اطلاع یافت اوضاع را بسیار نگرانی آور دید و به درستی نتیجه گرفت که اردوی سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی با دسیسه بزرگی که خروشچف بر پا کرده رو به رو است. صحه گذاری بر اتهامات مجهولی که رهبری شوروی بر حزب کمونیست چین وارد می ساخت عواقب مخربی داشت. رفیق حسنی کاپو در اجرای رهنمودهای کمیته مرکزی علیه به بحث گذاشتن «اشتباهات» ادعائی حزب کمونیست چین و محکوم ساختن او برخاست و نظر داد که برخورد بوخارست چنان که باید و شاید تدارک نشده و ناقص مقررات سازمانی است که باید بر مناسبات احزاب کمونیستی و

کارگری با یک دیگر حاکم باشد. هیأت نمایندگی حزب کار البانی خاطر نشان ساخت که اختلافات میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چین را نمی توان فقط بر اساس اسنادی که یکی از دو طرف ارائه داده است مورد رسیدگی قرارداد. برای اظهار نظر در این مورد باید سخن رفقای چینی را نیز شنید. این اختلافات باید نخست بین دو حزب مذکور بحث شود و هرگاه این بحث به هیچ نتیجه ای نرسد باید موارد اختلاف به بررسی جلسه ای از احزاب کمونیستی و کارگری کشور های سوسیالیستی گذاشته شود و آنگاه تصمیمات این جلسه به نوبه خود مورد مذاقه کنفرانس بین المللی احزاب مارکسیستی لنینیستی سراسر جهان که طبق قواعد سازمانی مورد قبول همگان تشکیل یافته باشد، قرار گیرد.

این روش اصولی هیأت نمایندگی حزب کار البانی مورد پشتیبانی عده کثیری از هیأت های نمایندگی قرار گرفت. ولی خروشچف این روش را به منزله «طغیان» حزب کار البانی تلقی کرده شدیداً به آن تاخت. رهبری شوروی با وجود مساعی عنودانه اش نتوانست در برخورد بوخارست به هدف خویش که اخراج حزب کمونیست چین از نهضت کمونیستی بین المللی بود، نائل آید. تصمیم گرفته شد که کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری جهان برای ماه نومبر ۱۹۶۰ دعوت شود.

کمیسیون خاصی از نمایندگان ۲۶ حزب و از آنجمله نمایندگان حزب کار البانی مأموریت یافت که این کنفرانس را تدارک ببیند. توطئه بین المللی که از طرف گروه رویزیونیست خروشچف برپا شده بود از هم پاشید. نخستین شکست بر این گروه در بوخارست وارد آمد و این شکستی بود بر تمام رویزیونیسم معاصر که از آن پس روبه افول نهاد. دیگر کاملاً روشن بود که رهبری حزب کمونیست شوروی که خروشچف در رأس آنست دار و دسته ای خائنی بیش نیست و خطر بزرگی برای مارکسیسم- لنینیسم و سوسیالیسم به شمار می آید. کمیته مرکزی حزب کار البانی ارزیابی کرد که هیأت نمایندگی او در برخورد بوخارست روش اصولی مارکسیستی- لنینیستی داشته است. کمیته مرکزی حزب کار البانی آنچه را در برخورد بوخارست پیش آمده و توطئه ای را که خروشچف در آنجا برپا کرده بود با اطلاع همه حزب رسانید. سازمان های بنیادی حزب متفقاً روش هیأت نمایندگی حزب کار البانی و نظریات مطروحه وی را در برخورد بوخارست کاملاً صحیح تشخیص دادند.

مقاومت مصممانه حزب کار البانی در برابر حملات رهبری شوروی

پس از برخورد بوخارست رهبری شوروی به حمله سخت بر حزب کار البانی دست زد تا وی را به تسلیم و به موافقت با مشی رویزیونیستی و فعالیت انشعابگرانه خویش وادارد.

حمله در چند جانب صورت گرفت. کمیته مرکزی حزب کار البانی نخستین آماج حملات بود. رهبری شوروی در صدد بر آمد در کمیته مرکزی حزب کار البانی انشعاب به وجود آورد، آن را با انقیاد وادارد و به هر قیمت شده آن را به عدول از مواضع خویش در برخورد بوخارست و به اتخاذ تصمیماتی علیه «مسئولان» این روش مجبور سازد. این عدول برای رهبری شوروی نه فقط از آن جهت نیز لازم بود که آنچه را که در بوخارست به دست نیاورده بود در کنفرانس آینده احزاب کمونیستی و کارگری به دست آورد.

گروه خروشچف با این منظور به لیری بالیشوا عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کار البانی، که سرشار از پر مدعائی دیوانه وار خرده بورژوازی و جاه طلبی زنده بود، متوسل شد. لیری بالیشوا که در مسکو با این گروه گرویده و از جانب آنها به حرکت در آمده بود با مشی حزب به مخالفت پرداخت و ناقل مشی ضد مارکسیستی رهبری شوروی شد. اما مساعی لیری بالیشوا به وحدت پولادین کمیته مرکزی، به عزم راسخ وی مبنی بر خود داری از هرگونه گذشت

در مواضع اصولی و مشی انقلابی مارکسیستی-لنینیستی حزب برخورد و با این طریق تشبیت گروه خروشچف در تغییر دادن ویا متزلزل ساختن مواضع کمیته مرکزی به جایی نرسید.

رهبری شوروی با سوء استفاده از دلبستگی بی پایان کمونیست های البانی به حزب بلشویک اتحاد شوروی، کوشید در بین آنان سرگشتگی ایجاد کند و آنان را علیه رهبری مارکسیستی-لنینیستی حزب بر انگیزد. او از طریق اعضای سفارتخانه خویش در تیرانا که آزادی عمل بسیار در البانی داشتند با افسران و ژنرال ها، با کادرهای حزبی وارگان های دولتی، با زحمتکشان بخش اقتصاد و فرهنگ تماس گرفت. عمال خروشچف در برابر مخاطبان خویش از «انحراف» رهبری حزب کار البانی، از مشی مارکسیستی-لنینیستی و از «خیانت وی به دوستی شوروی و البانی» اظهار نگرانی می کردند و به آنها سوالات فتنه انگیزانه می دادند از این قبیل: «به اتحاد شوروی وفادار خواهید ماند و یا مانند رهبری خود به او پشت خواهید کرد؟» گروه خروشچف به خصوص به کادرهایی که در مؤسسات آموزشی شوروی تحصیل کرده بودند، امید داشت. ولی کوشش ها و امید های او برباد رفت. کمونیست های البانی که در حزب آبدیده شده و از او شم انقلابی گرفته بودند توانستند بین اتحاد شوروی و حزب کمونیست شوروی از یک سو و فعالیت ضد مارکسیستی، ضد البانی رهبری شوروی از سوی دیگر فرق بگذارند. رویونیست های خروشچفی هیچ شگافی در صفوف حزب کار البانی نیافتند و نتوانستند به وجود آورند و نقشه های آنان همانا در برخورد با همین وحدت پولادین حزب برگرد کمیته مرکزی، درهم ریخت.

پس از لیری بالیشوا، کوچو تاشکو صدر کمیسیون بازرسی حزب کار البانی ضعف نشان داد. او در سابق نیز دستخوش تزلزلات جدی شده و به علت انحرافات از مشی حزب و اتخاذ روش های اپورتونیستی مورد انتقاد قرار گرفته بود. بالیشوا و تاشکو هر دو به عنوان دشمنان حزب از صفوف وی اخراج شدند.

رهبری شوروی حملات خود را بر عرصه اقتصادی و فرهنگی نیز بسط داد و علی رغم موافقت نامه هایی که بین دولت جمهوری توده ئی البانی و دولت اتحاد شوروی منعقد شده بود ارسال کالاها و تجهیزات صنعتی را به البانی به تعویق انداخت و درپاره ای از موارد به کلی قطع کرد. وی همچنین تقاضای ارسال مقداری از غلات را برای خلق البانی که در اثر خشکسالی خارق العاده ۱۹۶۰ گرفتار کمبود نان بود، نپذیرفت. گروه خروشچف در این پندار که گرسنگی باعث خواهد شد که خلق البانی علیه حزب برخیزد این فرصت را به عنوان وسیله ای برای منقاد ساختن حزب کار البانی مغتتم شمرد. گروه خروشچف حزب و دولت جمهوری توده ئی البانی را تهدید کرد که هرگونه کمک به ارتش توده ئی البانی را از حیث تسلیحات و مهمات نظامی قطع خواهد کرد. گروه خروشچف به حزب و دولت البانی اعلام داشت که عضویت آنها در پیمان ورشو دیری نخواهد پائید.

در اگست ۱۹۶۰ رهبری شوروی نامه ای به کمیته مرکزی حزب کار البانی فرستاد و خواستار شد که «حزب کار البانی و حزب کمونیست شوروی با وحدت کامل نظریات به کنفرانس آینده ماه نومبر بروند»! به عبارت دیگر حزب کار البانی می بایست از روش اصولی که در بوخارست در پیش گرفته بود و از مشی مارکسیستی لنینیستی خویش دست بردارد. گروه خروشچف تهدید می کرد که در غیر این صورت «جرقه اختلاف» که در بوخارست به ظهور رسیده است «شعله خواهد زد»!

حزب کار البانی به هیچ وجه نمی توانست به چنین «وحدتی» که چیز دیگری جز همدستی جنایتکارانه علیه حزب کمونیست چین و بالنتیجه علیه اردوگاه سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی بود، تن در دهد. از این جهت تقاضای ابلیسانه رهبری رویونیست شوروی را رد کرد.

در همین اثناء هیأت نمایندگی حزب کار البانی در کمیسیون ۲۶ حزب که مأموریت تدوین و تنظیم اظهاریه کنفرانس عمومی احزاب کمونیستی و کارگری جهان را برعهده داشت به مخالفت استوار با تشبثات رویزیونیست ها که می خواستند سندی با روح ضد مارکسیستی تهیه کنند، مشغول بود.

انتقاد های حزب کار البانی از رویزیونیست های خروشچفی در دومین کنفرانس مسکو

هیأت نمایندگی حزب کار البانی در کنفرانس ۸۱ حزب کمونیستی و کارگری که در نومبر ۱۹۶۰ در مسکو تشکیل شد به رهبری رفیق انور خوجه بود.

هیأت نمایندگی رهنمود کمیته مرکزی را مبنی بر دفاع از مشی مارکسیستی- لنینیستی با استواری و پیگیری در کنفرانس اجراء کرد و مانور های سوداگرانه ای را که خروشچف و دستیارانش از راه وعده کمک مهم اقتصادی و قبول اشتباهی که «ممکن از طرف کارمندان شوروی روی داده باشد» برای درهم شکستن مقاومت حزب کار البانی به کار بردند، تحقیر کنان برهم زد. وی همچنین در برابر تهدیدات تازه خروشچف که گفت «از این پس مناسبات میان اتحاد شوروی و البانی بر پایه های جدیدی گذاشته خواهد شد» سرفرود نیاورد.

رفیق انور خوجه در نطقی که در کنفرانس ایراد کرد نظریه اصولی حزب کار البانی را در مسائل عمده مورد اختلاف بیان داشت و به ویژه تکیه کلام خود را بر موضوعات زیرین گذاشت: جنگ و صلح، همزیستی مسالمت آمیز، راه های گذار به سوسیالیسم، مسأله سنالین، مسائلی که رویزیونیسم یوگوسلاوی به پیش آورده است و خطری که رویزیونیسم معاصر برای نهضت کمونیستی بین المللی در بر دارد، مناسبات میان احزاب کمونیستی و کارگری.

رفیق انور خوجه مستقیماً از رهبری شوروی و سرکرده آن خروشچف و همچنین از سایر رویزیونیست ها که اندیشه دروغینی درباره تغییر ماهیت امپریالیسم، به عنوان نتیجه تغییر تناسب قواء در جهان به سود سوسیالیسم، و درباره امکان توافق و همکاری با امپریالیست های امریکائی به منظور ایجاد «دنیائی بدون سلاح، بدون ارتش و بدون جنگ» اشاعه می دادند، انتقاد کرد و گفت: «حزب کار البانی معتقد است که امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم امریکا نه پوست خود را عوض کرده است نه سرشت خود را. امپریالیسم تجاوز کار است و اگر فقط یک دندان هم در دهانش باقی مانده باشد تجاوز کار خواهد ماند... امپریالیسم می تواند جهان را به ورطه جنگ در اندازد. از این جهت ما اصرار داریم که به خلق ها توضیح داده شود که یگانه ضمانت مطلق علیه جنگ جهانی عبارت از آنست که سوسیالیسم در سراسر گیتی و یا لاقل در اکثر ممالک گیتی پیروز گردد» (۱).

«آنکه این واقعیت را نبیند نا بینا ست و آنکه ببیند و ببوشاند خائنی است در خدمت امپریالیسم» (۲)

هیأت نمایندگی حزب کار البانی در عین حال که حفظ و تحکیم صلح را وظیفه بسیار مهمی دانست اظهار عقیده کرد که این وظیفه ممکن نیست از طریق مباحثات بی ثمر با سران امپریالیسم، از طریق مجامله و تملق و گذشت در برابر امپریالیست های امریکائی و تسلیم در برابر فشار آنها ایفاء شود. این وظیفه را نمی توان انجام داد مگر از طریق مبارزه قاطع سیاسی و ایدئولوژیک برای درهم ریختن نقشه های تجاوزکارانه امپریالیستی، از طریق تقویت مداوم هشیاری و شور انقلابی توده ها و افشای بی امان هرگونه روش اپورتونیستی، هر نظر و عملی که هدفش اغفال خلق ها باشد، هرگرایشی که به سستی و دل فراخی بینجامد. برای آن که جلو امپریالیست ها در افروختن جنگ جدید جهانی گرفته شود باید آنها را با قدرت اقتصادی، نظامی، معنوی و سیاسی اردوی سوسیالیستی، نیروی طبقه کارگر بین المللی و جنبش رهاییبخش ملی، نیروی کشورها و خلق های شیفته آزادی و صلح، روبه رو ساخت.

۱ - انور خوجه، سخنرانی در کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو، نومبر ۱۹۶۰. بایگانی مرکز حزب.

۲ - همانجا

به نظر حزب کار البانی در دورانی که ضرورتاً می بایست قدرت اردوی سوسیالیستی و آمادگی جنگی او به حداکثر ارتقاء یابد، عناد گروه خروشچف در این که سر بمب اتومی را از کشور های سوسیالیستی پنهان نگاه دارد و ارتش این کشور ها را با اسلحه اتومی مجهز نگرداند به کلی نادرست بود و حزب کار البانی آن را محکوم می کرد. رفیق انور خوجه می پرسید:

«چرا چین نباید بمب اتومی داشته باشد؟ به عقیده ما وی باید داشته باشد... ما برای دفاع خود مان به بمب احتیاج داریم. یک ضرب المثل البانی می گوید: «ترس بهترین نگهدارنده ماست است». باید امپریالیست ها از ما بترسند و خیلی بترسند» (۳).

در جای دیگر رفیق انور خوجه از رویزیونیست ها به مناسبت روش اپورتونیستی آنها در درک و اعمال همزیستی مسالمت آمیز کشور هائی که سیستم های اجتماعی مختلف دارند انتقاد کرد و درک رهبری شوروی را که به همزیستی مسالمت آمیز به مثابه مشی عمومی اتحاد شوروی و کلیه کشورهای سوسیالیستی می نگریست ضد مارکسیستی خواند. رفیق انور خوجه نظریه حزب کار البانی را بیان داشت که سیاست همزیستی مسالمت آمیز کشور هائی که سیستم های مختلف اجتماعی دارند فقط یک جنبه سیاست خارجی ممالک سوسیالیستی است. دو جنبه مهم تر این سیاست عبارتست از: همکاری برادرانه و کمک متقابل کشور های سوسیالیستی، پشتیبانی و هواداری بی قید و شرط از مبارزه انقلابی رهانیبخش زحمتکشان و خلق های ستمکش علیه امپریالیسم و ارتجاع.

گروه خروشچف که سیاست همزیستی مسالمت آمیز به هر قیمت، سیاست آشتی و همکاری با امپریالیسم را در پیش داشت در واقع از مبارزه طبقاتی روی بر تافته بود. رویزیونیست ها عملاً همزیستی مسالمت آمیز کشور های دارنده سیستم های مختلف اجتماعی را بر مناسبات میان طبقات استثمار زده و طبقات استثمارگر در درون ممالک سرمایه داری و همچنین بر مناسبات کشور های وابسته و مستعمره از یک سو و قدرت های امپریالیستی از سوی دیگر گسترش داده بودند. رفیق انور خوجه خاطر نشان ساخت:

«خلاف آنچه رویزیونیست های معاصر ادعا می کنند همزیستی مسالمت آمیز میان دو سیستم مختلف به معنای اعراض از مبارزه طبقاتی نیست. به عکس، مبارزه طبقاتی باید ادامه یابد، مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک به ضد امپریالیسم، به ضد ایدئولوژی بورژوائی و رویزیونیستی باید پیوسته نیرومند تر شود. باید در عین مبارزه پیگیر برای برقراری همزیستی مسالمت آمیز لنینی و بدون هیچ گونه گذشت اصولی در برابر امپریالیسم، به توسعه روز افزون مبارزه طبقاتی در کشور های سرمایه داری و نهضت نجاتبخش ملی خلق های ممالک مستعمره و وابسته دست زد» (۴).

هیأت نمایندگی حزب کار البانی عقیده داشت که وظیفه اساسی احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای سرمایه داری باید عبارت باشد از بر انگیزتن توده ها به مبارزه علیه امپریالیسم و همه چاکرانش در داخل کشور، تا آن که هستی آنها را غیر ممکن گردانند. پایگاه های نظامی و اقتصادی آنها را بر هم زنند، سلطه آنها را درهم شکنند، قدرت سیاسی سرکوب و فشار را ویران سازند و قدرت نوین یعنی قدرت خلق را برجای آن بنشانند. این قدرت باید در جهت دیکتاتوری پرولتاریا نیرو و گسترش یابد. فقط بدین طریق است که گذار به سوسیالیسم می تواند تأمین شود.

این مسأله که برای استقرار قدرت توده ئی و گذار به سوسیالیسم چه راهی باید پیمود همیشه بر مارکسیست ها- لنینیست ها روشن بوده است. ولی همانطور که رفیق انور خوجه گوشزد ساخت خروشچف این مسأله را درجهتی که دلخواه اپورتونیست هاست منحرف و مغشوش گردانید. «تا امروز هیچ خلقی، هیچ پرولتاریائی، هیچ حزبی بدون اعمال قهر و بدون خون ریختن به قدرت نرسیده است...»

3 - همانجا

4 - همانجا

حزب ما معتقد است که در این مورد ما باید هردو راه و به ویژه راه تصرف قدرت از طریق قهر را تدارک ببینیم زیرا که اگر برای این احتمال به خوبی آماده باشیم امکانات موفقیت راه دیگر (راه مسالمت آمیز- هیأت تحریر) را تقویت کرده ایم» (۵).

رفیق انورخوجه در مسأله ستالین، از گروه خروشچف انتقاد کرد که این مسأله را درکنگره بیستم به درستی و به طور عینی و به شیوه مارکسیستی-لنینیستی مطرح نساختند و ستالین و فعالیت او را به غلط محکوم کردند. این مسأله مربوط به همه نهضت کمونیستی بین المللی بود و نه فقط با اتحاد شوروی. از این جهت محکوم ساختن ستالین در کنگره بیستم بدون مشورت قبلی با سایر احزاب برادر، تصمیمی خود سرانه و خطائی فاحش بوده است.

«حزب کار البانی به صحت محکومیت رفیق ستالین که با این شیوه ها و شکل ها صورت گرفته است اعتقاد نداشته و هرگز نخواهد داشت...»

حزب کار البانی برآنست که منصفانه نیست، پذیرفتنی نیست، مارکسیستی نیست که نام و آثار کبیر ستالین از سراسر این دوران حذف شود، آنطور که حالا شده است. وظیفه همه ماست که از آثار پر بار و جاویدان ستالین دفاع کنیم. هرکس از آن دفاع نکند اپورتونیست و فرومایه است» (۶).

برای دفاع از مارکسیسم-لنینیسم، برای حفظ وحدت اردوی سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی، حزب کار البانی ضروری می دانست که مبارزه با رویزیونیسم معاصر و افشای آن تا پایان صورت گیرد. رفیق انور خوجه گفت: «سه سالی که از کنفرانس مسکو گذشته کاملاً تأیید کرده است که رویزیونیست های معاصر جز انشعابگران جنبش کمونیستی و اردوگاه سوسیالیستی، چاکران وفادار امپریالیسم، دشمنان سر سخت سوسیالیسم و طبقه کارگر چیز دیگر نیستند» (۷).

رفیق انورخوجه از رهبری شوروی انتقاد کرد که نه فقط خلاف سفارش اظهاریه مسکو مؤرخ ۱۹۵۷ از افشاء گروه رویزیونیست یوگوسلاوی خود داری ورزید بلکه با او بر سر آشتی آمد و با او اعاده حیثیت کرد. حزب کار البانی نظر خود را قویاً ابراز داشت که قضاوت ستالین درباره رویزیونیسم یوگوسلاوی نه فقط خطا نبوده بلکه کاملاً درست بوده است. رویزیونیست های یوگوسلاوی عمال بسیار خطرناک امپریالیسم اند و از این جهت باید به مبارزه آشتی ناپذیر ایدئولوژیک و سیاسی علیه آنها دست زد. حزب کار البانی به ویژه صلاحیت داشت که صحت این قضاوت را تأیید کند زیرا که او بیش از هرکس توطئه های دشمنانه تیتویست ها را هماهنگ با دسائس امپریالیست های امریکائی تحمل کرده بود.

ولی رفیق انورخوجه همچنین خاطر نشان ساخت که رویزیونیسم فقط در یوگوسلاوی حاکم نیست بلکه به وجه نگرانی آوری در سایر احزاب نیز اشاعه می یابد. از این جهت ارزیابی اظهاریه مسکو مؤرخ ۱۹۵۷ که رویزیونیسم معاصر را بزرگترین خطر دانسته درست است و باید تا وقتی که جلو این خطر به طور قطع گرفته نشده به قوت خود باقی بماند. خواست گروه خروشچف مبنی بر این که از این پس رویزیونیسم معاصر را افشاء شده تلقی کنیم و از آن بگذریم به کلی بی پایه است و هدفش پوشاندن رویزیونیسم خروشچفی است که خیلی خطرناک تر از رویزیونیسم یوگوسلاوی می باشد. رفیق انور خوجه پس از آن که با تکیه بر واقعات ثابت کرد که ضد انقلاب مجارستان با اطلاع و پشتیبانی مستقیم رهبری شوروی به وسیله رویزیونیست های مجاری و یوگوسلاوی تدارک شده است و پس از ارائه این که حوادث اضطراب انگیز پোলند و سایر کشور های سوسیالیستی و برخی از احزاب کمونیستی و کارگری نتیجه اشاعه رویزیونیسم است خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس چنین گفت: «ما می خواهیم روشن شود که پس از کنگره بیستم

5 - همانجا

6 - همانجا

7 - همانجا

در درون جنبش کمونیستی بین المللی، در درون اردوگاه ما چه روی داده است؟ آیا با آن علت است که رهبری حزب کار البانی به اصطلاح سکتاریست، دکماتیک و بدبین است؟ چنین وضعی باید ما را بسیار اندیشناک گرداند. ما باید ریشه بیماری را بیابیم و درمان کنیم. مسلماً با این که دستی به شانه تیتوی مرتد بزنییم و در اظهاریه ادعای رفقای شوروی را تأیید کنیم که رویونیسم معاصر به کلی از میان بر خاسته است این بیماری درمان نخواهد پذیرفت»^(۸) به ویژه توطئه بوخارست که به وسیله گروه خروشچف علیه حزب کمونیست چین چیده شد و فعالیت خصمانه ای که این گروه پس از برخورد بوخارست علیه حزب کمونیست چین و حزب کار البانی آغاز کرد و گسترش داد ممکن نبود موجب نگرانی عمیق نگردد. این دسائس خطری بود که مستقیماً وحدت نهضت کمونیستی بین المللی و اردوگاه سوسیالیستی را تهدید می کرد. رفیق انورخوجه با این مناسبت با انتقاد اصولی شدید از رهبری شوروی دست زد.

«حزب کار البانی متفقاً عقیده دارد که رفقای شوروی در بوخارست اشتباه عظیمی کرده اند که حزب کمونیست چین را به غلط به تقصیر منسوب ساختند... برخورد بوخارست را هرگز نباید بر طاق فراموشی گذاشت بلکه باید آن را به منزله لکه ای در نهضت کمونیستی بین المللی شدیداً محکوم کرد»^(۹).

هیأت نمایندگی حزب کار البانی خاطر نشان ساخت که رهبری شوروی خطای فاحشی را که در بوخارست مرتکب شد بعداً با آگاهی کامل تعمیق کرده است. هیأت نمایندگی حزب کار البانی به اطلاع کنفرانس رسانید که چگونه گروه خروشچف برای آن که حزب کار البانی را به پیروی از مشی نادرست خویش و دارد با اتخاذ روش ضد مارکسیستی نسبت به حزب کار البانی دست زده است. خروشچف و سایر رهبران شوروی برای نیل به منظور خویش، اعمال فشار بر هیأت نمایندگی حزب کار البانی را در مسکو ادامه دادند و با او به شیوه سوداگران تنگ نظر عمل کردند. آنها از نخستین ملاقات ها، هیأت نمایندگی حزب کار البانی را در تنگنا گذاشتند که از دو راه یکی را انتخاب کند: «البانی باید تصمیم بگیرد که آیا به ۳۰۰ میلیون (یعنی اتحاد شوروی- هیأت تحریر) خواهد پیوسته یا به ۶۵۰ میلیون (یعنی چین- هیأت تحریر) «!! البانی» یا باید همزیستی مسالمت آمیز را بپذیرد و یا خود و مردمش با یک بمب اتمی امریکا به کلی از بین بروند! «خلق البانی هرگز بر سر چنین دو راهی گذاشته نشده و از طرف هیچ یک از نمایندگان امپریالیسم این طور مورد تهدید قرار نگرفته بود و چون تهدیدات هم نتیجه نداد خروشچف به هیأت نمایندگی چین گفت: «ما البانی را از دست دادیم و شما چینی ها او را قاپدید»!! سپس در نامه اطلاعاتیه مفصلی که سرشار از اتهامات و حملات بی پایه علیه حزب کمونیست چین بود و در آستانه کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری به وسیله رهبری شوروی بین کلیه هیأت های نمایندگی توزیع گردید حزب کار البانی نیز به «انحراف از مارکسیسم- لنینیسم» و به «ضد شوروی بودن» متهم شده بود.

رفیق انور خوجه کنفرانس را از دسائس عمیقاً ضد مارکسیستی گروه خروشچف آگاه ساخت و خطاب به خروشچف چنین گفت: «این اتهامات عجیب و این روش های «کاسبکارانه» نسبت به حزب ما، نسبت به خلق ما، نسبت به کشوری سوسیالیستی که گویا می توان با آن برد و و باخت کرد چیست؟ ... شما البانی را کالانی می انگارید که هرکس می تواند آن را بدهد و بستاند. آری، روزگاری بود که البانی را چنین می انگاشتند، روزگاری که بعضی ها وجود یا عدم البانی را وابسته به خود فرض می کردند. ولی از آنگاه که افکار مارکسیستی- لنینیستی در کشور ما پیروز گشته آن روزگار سپری شده است... رفیق خروشچف، شما بر روی خلق کوچک ما و حزب وی دست بلند کرده اید ولی ما ایمان راسخ داریم که خلق شوروی که برای آزادی خلق مانیز خون ریخته است و حزب بزرگ لنین رفتار شما را تأیید نخواهند کرد»^(۱۰).

8 - انورخوجه سخنرانی در جلسه احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو، نومبر ۱۹۶۰. بایگانی مرکزی حزب.

9 - همانجا

10 - همانجا

هیأت نمایندگی حزب کار البانی تصریح کرد که آنچه او را با انتقادی جدی اصولی از رهبری شوروی واداشته اندیشه حفظ و وحدت نهضت کمونیستی بین المللی و اردوگاه سوسیالیستی است و بس. وحدت را نمی توان حفظ کرد مگر آن که اشتباهات و پدیده های مخرب عریان و افشاء گردد و بر اساس موازین مارکسیستی- لنینیستی جبران شود. رفیق انور خوجه به کسانی که می کوشیدند حزب کار البانی را به سکوت وادارند و او را به پیروی از مشی نادرست خویش مجبور گردانند چنین پاسخ آورد: «اگر چه کشور البانی و حزب کار البانی کوچک اند هرگاه معتقد با اشتباه کسی باشند، هرکس که می خواهد باشد، تابع دستور های او نخواهند شد. مبدا کسی جز این تصور کند.

حق اظهار نظر را مارکسیسم- لنینیسم به ما داده است و هیچ کس نمی تواند با هیچ فشار سیاسی و اقتصادی، با هیچ تهدیدی و یا هیچ یک از نسبت هائی که به ما نثار می کنند، ما را از آن محروم گرداند» (۱۱).

در کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری، دو مشی متضاد در نهضت کمونیستی بین المللی، یکی مارکسیستی- لنینیستی و دیگری رویزیونیستی، بیش از پیش متبلور گردید. تصادم بین این دو مشی اجتناب ناپذیر بود. رهبری شوروی در طی کنفرانس کوشید از این تصادم که در کمیسیون تنظیم اظهاریه آغاز نشده بود، طفره رود.

خروشچف و عده ای از سران هیأت های نمایندگی در سخنرانی های خویش به هیچ تضادی و اختلافی در درون نهضت کمونیستی بین المللی اشاره نکردند چنانکه گویی چنین چیزی وجود ندارد. رویزیونیست های خروشچف هدف شان آن بود که با این طریق وجود دو مشی متضاد را بپوشانند و نگذارند حزب کمونیستی چین و حزب کار البانی به موجب حق خویش با افتراءات مندرج در سند شوروی ها که در آستانه کنفرانس توزیع شده بود پاسخ گویند. آنها می خواستند به این شیوه از هرگونه انتقاد نسبت به نظریات رویزیونیستی و فعالیت انشعابگرانه و مخرب گروه خروشچف بپرهیزند و مسؤولیت اختلافات را بر دوش حزب کمونیست چین و حزب کار البانی بیندازند.

اما تاکتیک آنها در این مورد به شکست کامل برخورد. اختلافات بین دو مشی در نهضت کمونیستی بین المللی در اثر نطق های هیأت های نمایندگی البانی و چین و انتقاد های صریحی که در آنها بیان شده بود، حاد تر گردید. نمایندگان کلیه احزاب مجبور بودند روش خویش را درباره مسائل مورد بحث به نحوی از انحاء اظهار دارند. آنگاه رویزیونیست ها در صدد بر آمدند که توجه شرکت کنندگان در کنفرانس را از مسائل اصولی معطوف گردانند و کنفرانس را به تریبیون حملات زشت و فرومایه علیه حزب کمونیست چین و حزب کار البانی بدل کنند. این تشبث نیز مانند سایر تشبثات آنها با شکست روبه رو شد. عده ای از هیأت های نمایندگی احزاب مارکسیستی- لنینیستی از حزب کمونیست چین و حزب کار البانی در دفاع از مشی انقلابی و انترناسیونالیسم پرلتری پشتیبانی کردند. رویزیونیست ها ناچار عقب نشستند.

اظهاریه موجب کنفرانس ۸۱ حزب کمونیستی و کارگری جهان در خطوط مهم خود مبین اصول انقلابی مارکسیسم- لنینیسم است. کوشش رویزیونیست های خروشچفی که می خواستند مشی رویزیونیستی را بر نهضت کمونیستی بین المللی تحمیل کنند به جانی نرسید و مشی مارکسیستی- لنینیستی به پیروزی جدید نائل آمد.

تعریفی که کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری در ۱۹۵۷ از مضمون دوران ما به مثابه «گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم» داده بود در اظهاریه جدید چینین تکمیل شد:

«دوران ما که مضمون اساسی اش گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است، گذاری که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز شد، دوران مبارزه میان دو سیستم اجتماعی متضاد است، دوران انقلابات سوسیالیستی و انقلابات رهائی

بخش ملی است، دوران فرو ریختن امپریالیسم، دوران بر افتادن سیستم مستعمراتی است، دوران عزیمت سایر خلق ها به راه سوسیالیسم است، دوران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در مقیاس جهانی است» (۱۲).

با این طریق رویزیونیست ها محروم شدند از این که از تعریف ناقص مضمون دوران ما سوء استفاده کنند و دوران ما را به مثابه دوران همزیستی مسالمت آمیز و مسابقه مسالمت آمیز اقتصادی و عاری از انقلابات و مبارزات رهاییبخش جلوه گر سازند.

عده ای از احکام رویزیونیسم که در طرح تنظیمی رهبری شوروی آمده و ملاک عمل وی بود، نیز رد شد. از آن جمله: «همزیستی مسالمت آمیز مشی عمومی سیاست خارجی کشور های سوسیالیستی است»، «امکانات گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم افزایش می یابد»، «در دوران معاصر جلوگیری از هر گونه جنگ امکان پذیر است» و غیره.

با وجود مقاومت رویزیونیست های خروشچی، احکام زیرین به طرز روشن در اظهاریه آمده بود: سرشت امپریالیسم دگرگون نشده است. وی همچنان مبداء جنگ های تجاوز کارانه است. امپریالیسم امریکا نیروی عمده تجاوز و جنگ است امپریالیسم امریکا در عین حال دژ ارتجاع جهانی و ژاندرام بین المللی است، دشمن همه خلق های گیتی است. برای دفع خطر جنگ جهانی باید کلیه خلق ها به مبارزه علیه امپریالیسم برخیزند و یا تشکیل جبهه ضد امپریالیستی، ضربه عمده خویش را متوجه امپریالیسم امریکا گردانند، مبارزات رهاییبخش ملی، نیروی مهمی برای جلوگیری از جنگ جهانی است. این مبارزات باید از پشتیبانی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و نهضت کارگری و کمونیستی بین المللی برخوردار گردد. همه احزاب مارکسیستی- لنینیستی مستقل و با یک دیگر برابر اند. احزاب مارکسیستی- لنینیستی نظریات مشترک خویش را از طریق مشاوره تنظیم می کنند و عملیات خویش را در مبارزه برای هدف های واحد با یک دیگر هماهنگی می بخشند- و غیره. کوشش های رویزیونیست های خروشچی برای جلوگیری از اعاده عبارات اظهاریه ۱۹۵۷ که رویزیونیسم را به مثابه بزرگترین خطر توصیف می کرد با شکست روبه رو شد. توصیف مذکور باقی ماند و به علاوه در اظهاریه گفته شد:

«احزاب کمونیستی، اپورتونیسیم بین المللی از نوع یوگوسلاوی را که بیان فشرده تئوری های رویزیونیسم معاصر است با اتفاق آراء محکوم کردند. رهبران جامعه کمونیست های یوگوسلاوی پس از آن که به مارکسیسم لنینیسم خیانت ورزیدند کشور خویش را از اردوی سوسیالیستی مجزا ساختند و آن را تابع «کمک» ادعائی امپریالیست های امریکائی و سایر امپریالیست ها گردانیده اند... ادامه افشاء رهبران رویزیونیست های یوگوسلاوی و مبارزه فعال برای پاسداری نهضت کمونیستی و همچنین نهضت کارگری از اندیشه های ضد لنینی رویزیونیست های یوگوسلاوی، همچنان وظیفه حتمی احزاب مارکسیستی- لنینیستی است» (۱۳).

معذک اظهاریه شامل برخی از ارزیابی های نادرست مانند ارزیابی کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی که با همان عبارات اظهاریه ۱۹۵۷ باقی گذاشته شد و چند حکم اشتباه آمیز نیز بود. حزب کار البانی درباره این ارزیابی ها و حکم های بی اساس نظریات به کلی مخالفی داشت که در طی جلسه صریحاً اظهار کرد.

هیأت نمایندگی حزب کار البانی با توجه به این که مضمون اظهاریه علی الاصول درست است در پای آن امضاء گذاشت. اگر وی درباره برخی از ارزیابی های بی اساس به گذشت تن داد این امر فقط به خاطر وحدت اردوی سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی بود.

پلنوم کمیته مرکزی فعالیت هیأت نمایندگی حزب کار البانی را در کنفرانس ۸۱ حزب کمونیستی و کارگری با اتفاق آراء تأیید کرد. روش هیأت نمایندگی را روش «استوار اصولی» دانست و سخنرانی ها و فعالیت او را مجموعاً «بسیار مثبت و ثمر بخش» شمرد.

۱۲ - اظهاریه کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری، نومبر ۱۹۶۰

۱۳ - همانجا

کمیته مرکزی روش و فعالیت هیأت نمایندگی خود را با اطلاع سراسر حزب رسانید و ضمناً توضیح داد که انگیزه ها و هدف های انتقاد شدید اصولی که هیأت نمایندگی در طی جلسه با روح کاملاً رفیقانه نسبت به رهبری شوروی ایراد کرده چه بوده است حزب کار البانی با انتقادی از این نوع کوشید به فعالیت انشعابگرانه خروشچف و دستیارانش خاتمه دهد و وحدت نهضت کمونیستی بین المللی را حفظ کند و استحکام بخشد، می خواست به مداخله رهبری شوروی در امور داخلی حزب کار البانی پایان دهد، اختلافات را از میان ببرد و بالنتیجه روابط برادرانه میان حزب کار البانی و حزب کمونیست اتحاد شوروی، بین جمهوری توده ئی البانی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را تقویت کند، اردوی سوسیالیستی را نگهدارد و نیرومند سازد. اگر حزب کار البانی طوری دیگر عمل کرده بود دیگر نمی توانست خود را حزب مارکسیستی- لنینیستی انقلابی و انترناسیونالیست بشمارد. حزب کار البانی به اعضای خویش آموخت که پیوسته صدیق، وابسته با اصول و در پاسداری از پاکیزگی مارکسیسم- لنینیسم دلیر باشند، انتقاد و انتقاد از خود را به مثابه سلاح نیرومندی برای رفع نقایص و پیشبرد امر سوسیالیسم به کار برند.

روش شجاعانه مارکسیستی- لنینیستی اصولی هیأت نمایندگی البانی در برخورد بوخارست و در دومین کنفرانس مسکو، در شرایط بسیار بغرنجی که در اثر فعالیت رویونیست های خروشچفی در درون نهضت کمونیستی بین المللی به وجود آمده بود، بر سطح عالی پختگی انقلابی حزب کار البانی گواهی می داد. روش مذکور برای همه کمونیست های البانی سر مشق بزرگی بود و آنان را در مبارزه حاد میان مارکسیسم- لنینیسم و رویونیسم معاصر رهبری کرد. دل بستگی نیروهای مارکسیستی- لنینیستی انقلابی جهان به حزب کار البانی و پشتیبانی آنها از او افزایش یافت. حزب کار البانی در عین حال که روش هیأت نمایندگی خود را در کنفرانس مسکو تأیید کرد و آن را سر مشق ساخت چنین ارزیابی کرد که مبارزه استوار انقلابی و اصولی هیأت نمایندگی حزب کمونیست چین در این کنفرانس مهم، نقش قاطعی در پیروزی مارکسیسم- لنینیسم بر رویونیسم داشته است. مبارزه مشترک و نظریات انقلابی یک سان که این دو حزب بر سر مسائل مهم نهضت کمونیستی بین المللی داشتند ارتباط و همکاری آنها را با یک دیگر تحکیم کرد.

پایان
